

نوروز، کهنسال‌ترین آیین ملی در جهان

نوروز کهنسال‌ترین آیین ملی



نوروز، کهنسال‌ترین آیین ملی در جهان و رویدادهای آن نوروز و آیین‌های باشکوه آن، مسیری 3 هزار ساله و پربینج و خم را پیموده تا به ما رسیده است. نوروز کهنسال‌ترین آیین ملی در جهان است که جاودانه مانده و یکی از عوامل تداوم فرهنگ ایرانیان (آرین‌های جنوبی) است.

آیین‌های برگزاری این جشن بزرگ در عصر حاضر با 3 هزار سال پیش تفاوت چندانی نداشته و به همین دلیل، عامل وحدت فرهنگی ساکنان ایران زمین به شمار می‌رود که آن را در هر گوشه از جهان که باشند، یکسان برگزار می‌کنند و بزرگ می‌دارند و به همین جهت است که اندیشمندان، نوروز را مظهر پایدار هویت و ناسیونالیسم ایرانی خوانده‌اند.

در قرن نوزدهم، ایران زمین بر اثر توطئه‌های استعمارگران اروپایی تجزیه شد اما فرهنگ مشترک و مدنیت غنی قوم ایرانی باقی ماند و نوروز همچنان روز ملی همه مردمی است که از کوه‌های پامیر و بدخشان تا انتهای کوه‌های کردستان سوریه و از قفقاز تا دره سند و منطقه خلیج فارس سکونت دارند.

در بسیاری از آثار گذشته‌نگاران، از جمله در تاریخ طبری، شاهنامه فردوسی و آثار بیرونی، نوروز به جمشید، شاه افسانه‌ای و در پاره‌ای دیگر به کیومرث نسبت داده شده و آن را به دلیل آغاز بهار، برابر شدن روز و شب و از سر گرفته شدن درخشش خورشید و اعتدال طبیعت، بهترین روز در سال دانسته‌اند.

کوروش، نوروز را عید رسمی اعلام کرد و در سال 534 پیش از میلاد دستورالعملی برای اجرای مراسم دولتی آن تدوین کرد که شامل ترفیع نظامیان، ابلاغ انتصابات تازه، سان دیدن از سربازان، عفو مجرمین پشیمان، ایجاد فضای سبز و پاکسازی محیط‌زیست - از منازل شخصی گرفته تا اماکن عمومی - بود. از سال 1307 هجری خورشیدی، همانند آن زمان، اعلام ترفیع نظامیان، برنامه‌های دولت و عفو یا تخفیف مجازات زندانیان به نوروز موقوف شده است. برگزاری آیین‌های نوروز ایرانی از دوران هخامنشیان در آسیای صغیر (آناتولی - ترکیه) تا به امروز مرسوم بوده است.

عبدالحمید اول، سلطان عثمانی که خود روز نوروز (20 مارس 1725) به دنیا آمده بود، نوروز را در قلمرو عثمانی یک عید رسمی اعلام کرد. در دوران هخامنشیان، 11 روز اول فروردین (فرورتیشن) ویژه انجام مراسم نوروز بود. در دوران اشکانیان ایام نوروز 5 روز بود که اردشیر پاپکان ششم فروردین - زادروز زرتشت - را بر آن اضافه کرد و چون ایرانیان روز هفتم فروردین را خوش‌یمن می‌دانستند و بیشتر ازدواج‌ها را به این روز موقوف می‌کردند، از آن زمان ایام نوروز که روزهای روح ابدی، شادی‌ها و پاک‌ی‌ها به‌شمار می‌آمدند، به 7 روز افزایش یافت و ایرانیان در این 7 روز دست از کار می‌کشیدند.

اردشیر از دولت روم که بمانند ایرانیان سال نو را از بهار آغاز می‌کرد، خواست که نوروز ایرانی را به رسمیت بشناسد و سناي روم این درخواست را تصویب کرد و نوروز در قلمرو روم «لوپرکال» خوانده می‌شد. شورای عالی معارف (فرهنگ) ایران نخستین جلسه خود را به ابتکار میرزا علی اکبر دهخدا، روز نوروز 1301 تشکیل داد و در همان جلسه درباره تعطیلات نوروزی مدارس که به اقتباس از ساسانیان یک هفته تعیین شد، به بحث و مذاکره پرداخت.

داریوش در مراسم نوروز 515 پیش از میلاد برنامه اصلاحات و آرزوهای خود را اعلام کرد که کتیبه آن موجود است. پس از تکمیل ساختمان عظیم و زیبایی تخت جمشید در پارس و گشایش آن، آیین‌های رسمی نوروز، باشکوه بی‌مانندی در آنجا برگزار می‌شد. مراسم نخستین نوروز در تخت جمشید، 2 هفته طول کشید. مردم معمولی در تالار صدستون این کاخ پذیرایی می‌شدند.

مِهستان (مه/ بزرگ)، پارلمان ایران در عهد اشکانیان نخستین جلسه خود را در نوروز سال 173 پیش از میلاد با حضور مهرداد یکم - شاه وقت - برگزار کرد و نخستین مصوبه آن انتخابی کردن مقام ریاست کشور (شاه) بود.

در مراسم نوروز سال 399 میلادی، چند مسیحی ایرانی که موفق به ورود به کاخ یزدگرد - شاه وقت (ساسانی) - شده بودند، فی البداهه از او تقاضای آزادی مذهبی برای خود کردند. این آزادی که مورد درخواست دولت روم هم بود به همه مسیحیان قلمرو ایران داده شد. در نوروز سال 501 میلادی مزدک بامداد - روحانی زرتشتی- عقاید خود را اعلام و ترویج آن را آغاز کرد. پیمان «صلح پایدار» ایران و روم در سال 532 میلادی در مراسم نوروزی و با حضور خسرو انوشیروان مبادله شد.

مردآویز زیاری (مازندرانی) از قهرمانان ملی ایرانیان در سال 934 و در اصفهان برگزاری روزها و مراسم ملی به‌ویژه نوروز را یک تکلیف میهنی مقرر داشت.

امیراسماعیل سامانی در سال 892 میلادی از ریاضیدان‌های خراسان خواست تا ساعت دقیق تحویل سال و «نوروز» را تعیین کنند تا به اطلاع مردم برسد.

در سال 1597 میلادی، شاه عباس یکم (صفوی) آیین نوروز را در عمارت «نقش جهان» برگزار کرد و در نطق نوروزی‌اش اعلام داشت که اصفهان پایتخت همیشگی ایران خواهد بود.

نادرشاه به نوروز و آیین‌های آن علاقه‌مندی فراوان داشت. وی سکه خود موسوم به سکه نادری را در سال 1735 میلادی، در مراسم سلام نوروز رایج ساخت و تعدادی از آن را به رسم عیدی به منشی‌ها و افسران خود داد که در یک طرف سکه نقش شده بود: «الخیر فی مآقع» و در طرف دیگر سکه این عبارت دیده می‌شود: «نادر ایران زمین».

نادرشاه در سال 1739 پس از شکست دادن ارتش 360 هزار نفری هند و دریافت تاج پادشاهی این سرزمین، برای ورود به دهلی منتظر فرارسیدن نوروز شد تا در روزی سعد به این آرزو برسد.

کریمخان زند (وکیل مردم) پس از اعلام شهر شیراز به پایتختی ایران، از سال 1761 میلادی به بعد هر ساله سلام نوروزی را در عمارتی که اینک موزه پارس نامیده می‌شود، برگزار می‌کرد و سپس به دیدن مردم عادی (کوچه و خیابان) می‌رفت و از جیب خود مزد نوازندگان را می‌داد تا در میدان‌های شهر بنوازند و مردم را شاد کنند.

آغا محمدخان قاجار با همه سفاکی و داشتن ریشه و تبار مغولی، «نوروز» را برای تاجگذاری‌اش تعیین کرد. وی در نوروز سال 1174 هجری خورشیدی در تهران تاجگذاری کرد و این شهر را پایتخت قرارداد که هنوز پایتخت است. در نوروز سال 1290 مراسم رسمی (دولتی) نوروز به نشانه اعتراض به حضور خودسرانه نیروهای انگلستان و روسیه در خاک ایران لغو و به جای آن ملی اعلام شد.

نوروز 1318 بهره برداری از راه‌آهن سراسری ایران آغاز شد. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها و نیز ایالت‌های آمریکا نوروز را به‌عنوان روز ملی ایرانیان و ایرانی تبارها به رسمیت شناخته‌اند، و این به آن معنی است که یک ایرانی و ایرانی تبار می‌تواند روز نوروز کار نکند و مزد بگیرد.

همشهری آنلاین- نوشیروان کیهانی زاده